

بررسی و ارزیابی حقوق شهروندی در جامعه اسلامی

صابر رشیدی

مدرس دانشگاه ، کارشناس ارشد حقوق عمومی

چکیده

حقوق شهروندی در جامعه اسلامی از مباحث و مطالب مهمی است که به طور گسترده ای به عدالت و مساوات توجه دارد و در نظریات اجتماعی ، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه ای پیدا کرده است . مقوله « شهروندی » هنگامی در یک جامعه تحقق می یابد که همه اعضای آن جامعه از تمامی حقوق مدنی و سیاسی برخوردار بوده ، در حوزه های مختلف مشارکت داشته و در برابر حقوقی که دارند ، وظایف و مسئولیت هایی را در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده بگیرند . از دوران باستان ، متفکران سیاسی درباره رابطه ی درست میان فرد و دولت بحث کرده اند . این رابطه در یونان باستان در گمانه « شهروند » به معنای عضو دولت بودن عینیت یافته بود . در دولت - شهرهای یونان شهروندی بصورت حق شرکت در زندگی سیاسی - اجتماعی و در صورت انتخاب شدن ، احساس تکلیف برای عهده دار شدن بار مسئولیت مقام عمومی بازتابیده بود ؛ اما این حق به اقلیت کوچکی که در این دولت ها زندگی می کردند و در واقع به مردان آزاده دارای حق مالکیت محدود شده بود اما در مقایسه مفهوم جدید شهروندی بر اصل حقوق و تکالیف همگانی مبتنی است

واژه های کلیدی: حقوق عمومی ، حقوق شهروندی ، جامعه ، اسلامی

مقدمه

از این رو بین حقوق، تکالیف و مسئولیت های شهروند رابطه ی مستقیم و چندسویه ای برقرار است. مکاتب و مسلک های فکری مختلف با توجه به بینش جهان بینی و زاویه دیدی که به جهان، انسان و زندگی دارند، برداشت ها و نظریات متفاوتی ارائه می دهند. در این میان دو دیدگاه اساسی وجود دارد یکی مکتب مادی و ماتریالیسم و دیگری مکتب معنوی و الهی.

دستور ادیان الهی برای اداره ی امور بشری از آنجایی که خاستگاه ربوی دارند و از ناحیه خداوند که آفریدگار فطرت و آگاه به تمام نیازها و خواسته های بشر است، صادر شده بهترین و کاملترین راهنما و دستورالعمل برای انسان هاست. از بین ادیان مختلف دین مبین اسلام کاملترین قواعد حقوقی را برای بشر مطرح کرده است که مطابق با فطرت انسانی است و نه تنها به کمال معنوی انسان ها توجه دارد بلکه به کرامت آن ها به عنوان اشرف مخلوقات فارغ از نژاد، رنگ و مذهب احترام میگذارد. از جمله مسائل مهم حقوق شهروندی در جامعه اسلامی در اسلام «کرامت انسان ها» «ارزش زندگی و حیات افراد» «بیهوده نبودن زندگی» و «هدفمند بودن خلقت انسان» است. حضرت علی (ع) به عنوان خلف صالح پیامبر و جانشین ایشان و بهترین و والاترین مفسر قرآن و اسلام، در خصوص دین و الهیات و ابعاد گوناگون زندگی مادی و معنوی مورد نیاز انسان ها سخن گهرباری در نهج البلاغه دارند که می تواند راهنمای ما در جهت شناخت بهترین و روشن ترین راه باشد.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

اهمیت و جایگاه حقوق شهروندی در جامعه اسلامی در نظام بین المللی و ارتباط متقابل این مفهوم با حقوق بشر از مسائل و دغدغه هایی است که محور بحث بسیاری از جامعه شناسان و تحلیل گران اجتماعی و علمای دین و دولت مردان می باشد. به نظر می رسد آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه اسلامی امروز به عنوان نیاز اساسی برای تمام شهروندان جامعه بین المللی در آمده است بدون شک گرایش دولت های مردم سالار و ملت ها به سوی شناخت مردم از میزان آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه اسلامی شان به صورت خود به خود رشد نکرده است. بلکه نوعی احساس نیاز جوامع نوین را به سوی درک این آگاهی و بصیرت سوق داده است. مهم ترین ویژگی انسان مدرن عقلانیت است و رشد عقلانیت برای جوامع مدرن بشری نیازهای جدیدی ایجاد کرده است. گسترش روابط در جامعه بین الملل سطح روابط انسانی را توسعه داده و افزایش سطح این روابط حقوق جدیدی را در این جامعه ایجاد کرده است که مردم در آن مشارکت کامل داشته باشند تا مفهوم راستین شهروندی در آن مصداق پیدا کند فقط در این صورت است که جامعه بین المللی می تواند با استفاده از ظرفیت های خلاق همه افراد بشر اعم از زن و مرد، پیر و جوان، فقیر و غنی در خدمت همه آن ها قرار گیرد. در سال های اخیر در جامعه ایران این مفهوم از سوی نخبگان سیاسی، اجتماعی و دینی مورد توجه قرار گرفته است آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه اسلامی از جنبه های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عامل بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای پر مخاطره مدرن است عدم توجه به آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه اسلامی مخدوش کننده پایگاه ها و نقش ها و سبب تاخیر در کارها و هزینه بر شدن آن ها و خلل در روابط و تعاملات می شود.

۱-۳- بیان مساله

در جهان امروز موضوعی که بیشتر از همه چیز در محافل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی و بین المللی مطرح می گردد و رسانه ها، نشریات و مطبوعات جهان نیز به وفور به آن اشاره می نمایند و گاه ممکن است بهانه ای برای دخالت های نظامی بعضی کشورها گردد موضوع حقوق شهروندی در جامعه اسلامی است.

جهان غرب مدعی است حقوق بشر و به تبع آن حقوق شهروندی در جامعه اسلامی از دستاوردهای آنان می باشد حال با توجه به اهمیت موضوع سوال این است که آیا واقعا حقوق بشر و حقوق شهروندی در جامعه اسلامی دستاورد و حاصل افکار دانشمندان غرب است یا اینکه دین مبین اسلام علی الخصوص مذهب تشیع در ۱۴۰۰ سال پیش تاکنون به آن پرداخته است

روش تحقیق

انسان به دلیل برخورداری از قوای فکری و عقلی همواره در اندیشه و تفکر درباره جهان و زندگی و مسائل گوناگون آن بوده است بنابراین در برابر شناخته‌ها و آگاهی‌های او قرار می‌گیرد و به ذهن او خطور می‌کند طرح این سوال‌ها به شکل گیری راه حل‌های فرضی، ذهنی و تخیلی منجر می‌گردد. علیهذا با توجه به موضوع مقاله نگارنده براساس روش‌های مختلف که در باب علوم انسانی وجود دارد روش تحلیلی - استدلالی و تطبیقی را انتخاب نمود که تحقیق را از نظر نو بودن، مرتبط با رشته تخصصی و شفاف بودن بارز می‌نماید لذا برای رسیدن به این مطلوب تلاش‌هایی برای دستیابی به سوابق و ادبیات مسئله صورت گرفته و با مطالعه و فیش برداری، استفاده از کتابخانه، استفاده از فهرست تحقیقات و مجموعه مقالات و آرشیوها، سیستم‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای توانستم موضوعاتی را انتخاب نمایم که از حیث نظری قوی می‌باشد.

- پیشینه تحقیق

با وجود نو بودن مقوله حقوق شهروندی در جامعه اسلامی اما مقالات و تحقیقات نسبتاً زیادی در این راستا انجام شده و همچنین در مورد مقوله‌ی حقوق بشر نیز به وفور مقالات و تحقیقاتی به چاپ رسیده اما در مورد حقوق شهروندی در جامعه اسلامی با تأکید بر شهر پایه تحقیقات و مقالاتی به چاپ نرسیده یا اگر هم رسیده باشد بسیار اندک و محدود می‌باشد. مقالاتی که در راستای حقوق شهروندی در جامعه اسلامی به چاپ رسیده است با توجه به محاسنی که دارند دارای معایبی و نواقص نیز می‌باشند من جمله اینکه در این مقالات مقایسه‌ای بین حقوق شهروندی در جامعه اسلامی در اسلام با سایر مکاتب صورت نگرفته است و همچنین در مورد حقوق بشر با توجه به زیادی مقالات و تحقیقات در این زمینه کاستی‌های فراوانی به چشم می‌خورد و در این گونه موضوعات جای بحث و جدل فراوانی وجود دارد که نویسندگان و محققان از نوشتن آن غافل مانده‌اند. فقهایی همچون استاد شهید مطهری و امام خمینی (ره) و آیت الله مصباح یزدی و ... و همچنین حضرت علی (ع) در نهج البلاغه به موضوع حقوق شهروندی در جامعه اسلامی پرداخته‌اند و به بهترین شکل ممکن حقوق شهروندی در جامعه اسلامی را بسط داده‌اند و جای هیچگونه ایرادی به آن‌ها وارد نیست بنده در این مقاله سعی کرده‌ام به بررسی حقوق شهروندی در جامعه اسلامی و حقوق بشر بپردازم و نواقص و کاستی‌هایی که در مقالاتی که موجود می‌باشد را تا آنجا که ممکن است رفع نمایم امید است مورد توجه شما واقع شود.

- پیشینه حقوق شهروندی در جامعه اسلامی در ایران

بند اول: ایران باستان

به اعتقاد بسیاری از مورخین و محققین، نخستین و قدیمی‌ترین سند تاریخی در زمینه‌ی حقوق بشر فرمان کوروش کبیر پس از فتح بابل است.^۱

در اسنادی که از تخت جمشید به دست آمده عباراتی خوانده می‌شود که خواندن و باز خواندن آن غرور انسانی در ما ایجاد می‌کند. در ساختن تخت جمشید هیچ کس به بی‌گاری گرفته نشده و از اسنادی که به دست آمده نشان دهنده‌ی پرداخت حقوق کارگران بوده است و هم چنین حقوق و مزایای اشخاص از هر ملیتی را نشان می‌دهد. ساز و کار حکومت پارس مبتنی بر اداره پادشاهان بود و پارسیان به این فخر می‌کردند که قوانین پادشاه تغییر ناپذیر است و نباید ترک شود و تصمیمات شاه در نظر عوام همچون وحی اهورا مزدا نازل می‌شود.

به این ترتیب قوانین مشیت الهی داشتند و سرپیچی از آن، سرپیچی از فرمان پروردگار بود. قوه قضایه عالی در اختیار پادشاه بود و محاکم از نظم و انضباط خاصی برخوردار بودند. محاکم همانطور که برای جرائم کیفر و جزای نقدی تعیین می‌کردند کارهای نیک و احسان آن شخص را در نظر می‌گرفتند و به او پاداش می‌دادند.

^۱ شیربانی، رضا، جزوه حقوق بشر در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ص ۱۶، سال ۱۳۸۷

مدت زمان هایی برای رسیدگی مشخص بود که باید حکم در ظرف این مدت صادر شود و به مرور زمان سوابق قضایی زیاد شد و گروهی را به عنوان سخن گوینان قانون تشکیل دادند که مردم از آنها در دعوایشان مشورت می گرفتند و رشوه گرفتن^۱ در آن زمان یکی از جنایات های بزرگ بشمار می آمد و زنان از منزلت عالی برخوردار بودند .

در قرن ششم قبل از میلاد کورش فرمان روای هخامنشیان و بنیان گذار امپراطوری ایران منشوری را تنظیم کرد که در آن آزادی مذاهب و آزادی ملل بیگانه مورد توجه قرار گرفته بود.طبق این منشور کورش با احترام به اعتقادات مردم و خوش رفتاری نسبت به آنها امنیت عطا نمود و نیازمندی های بابل و همه ی پرستش گاه های آنها را در نظر گرفته و در بهبود وضع آنها کوشیده است و کورش در این منشور اعلام می دارد که لشگر بزرگ به آرامی وارد بابل شود و به کسی صدمه ای وارد نکند و کورش می گوید من برای صلح کوشیده ام و برده داری را برانداختم.

مردم را در پرستش خدای خود آزاد گذاشتم و قوم یهود و زیبایی را رهایی بخشیدم.زیبای معماری باستانی تخت جمشید که روی ستون بزرگی کتبه ذیل الذکر داریوش امپراطور ایران حک شده است می گوید :

« من این چنینم که دوست دارحقیقت و راستی هستم من دوست دار خطا و نادرستی نیستم اینک نسبت به انسان ضعیف به وسیله انسان توانمند بی عدالتی صورت گیرد مطلوب من نیست و در عین حال مطلوب نیست که به انسان توانمند توسط انسان ضعیف بی عدالتی شود آن چه که حق است مطلوب من است.»^۱

بر روی کنده کاری هایی تزئینی پرسپولیس شکل هایی از پادشاه حک شده که سنبل بدی را می کشد زرتشت نسبت به پست ترین رعیت مفهومی از کرامت عطا کرده که هیچ امپراطوری نمی تواند او را از آن محروم کند که این لوایح همه هدیه ایران به جامعه ی جهانی است.

بنابراین آن چه از دوران باستان،سنگ نوشته ها و لوایح و اسناد به جا مانده همه نشان دهنده رعایت حقوق شهروندی است.هر چند که با حمله اسکندر بسیاری از این گنجینه های با ارزش از بین رفت.

بند دوم: ایران پس از باستان

ایران یکی از کشور های متمدن بوده که تاثیر گذاری آن بر ممالک اسلامی دیگر کشور های جهان پوشیده نیست.اعراب پس از انقراض دولت ساسانی در ایران،خود را بایک تمدن کهن سال و ریشه داری روبه رو دیدند واز ایرانیان فنون زیادی اقتباس کردند اما تاثیر اعراب بر ایرانیان فقط در پذیرش دین اسلام و نظام های اجتماعی بود به عبارت دیگر ایرانیان آداب و رسوم اعراب را نپذیرفتند بلکه به تحصیل علوم خدانشناسی و تاریخ و سایر علوم پرداختند و در این دوران متاثر و تسلط اعراب را بر ایرانیان می باشد.در این دوران حقوق شهروندی تابعی از اندیشه ی سیاسی حاکمان بود.

منهای دوران رسول خدا در بخش اعظم پس از حکومت خلفای راشدین جامعه ی اسلامی به صورت رجعتی به سوی اندیشه های جاهلی داشت ودرباره معاویه پیش از آن که دارالخلافه نماینده رسول الله باشد محلی برای برتری طلبی قوم عرب بود .^۲ حقوق شهروندی و آزادی عمومی که اسلام منادی آن بود در مورد بخش های عمده امپراطوری عظیم اسلام به فراموشی سپرده شد بطوری که در زمان خلیفه سوم ملاحظات قبیله ای دیده میشود و تلاش های امام علی(ع) برای بازگرداندن امور به مجریان شریعت با مشکل رو به رو شد و جامعه ی اسلامی پس از امام علی (ع) به شدت با اضمحلال حقوق مردم و شهروندان مواجه شد.^۱جامعه ایرانی که تعالیم اسلامی را پذیرا شده و باعث پویایی احقاق حقوق مردم شد.

^۱ دورانت، ویل واریل، تاریخ تمدن، گروه مترجمی، چاپ اول، جلد چهارم، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ص ۴۳۳، سال ۱۳۶۵

^۱ ممتاز، جمشید، حقوق بشر در تحولات بین المللی، نشر دادگستر، تهران، ص ۸۹، سال ۱۳۷۷

^۲ حسینی، مجید، پایان نامه حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ص ۳۷، ۱۳۸۵

^۱ عبدالمقصود، عبدالفتاح، امام علی، تاریخ تحلیلی، نیم قرن اول اسلام، ترجمه سیدمحمود طالقانی، ج ۱، طلوع خورشید، تهران، ۴۰۳-۴۰۰، سال

اسلام انسان را دارای مقام و ارزش والایی میداند و خداوند در آیه ۳۰ سوره بقره خلق انسان را به خود تبریک گفت و همچنین ما در قرآن می خوانیم :

« واذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه ... ؛ یعنی خداوند به هنگام آفرینش آدم خطاب به فرشتگان فرمود من اراده کردم که در روی زمین برای خود خلیفه و جانشین قرار دادم »

و در جایی دیگر می فرماید : « هو الذی جعلکم خلائف فی الارض^۲؛ خداوند همان گونه است که شما انسان ها را جانشینان خود در روی زمین قرار داد »

لذا روی همین اصل است که خداوند، انسان را نسبت به بسیاری از موجودات فضیلت و برتری بخشیده و در جای دیگر در قرآن مجید می فرماید :

« و لقد کرّمنا بنی آدم حملنا هم فی البر والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلنا هم علی کثیرمن خلقنا تفضیلاً^۳؛ ما فرزند آدم را بسیار گرامی داشتیم و کرامت بخشیدیم و آنها را بر خشکی و تریها (بر و بحر) تسلط دادیم و از طیبات و پاکی ها روزیشان قرار دادیم و آنان را بر بسیاری از موجودات مان فضیلت و برتری بخشیدیم.»

همچنین ما روایاتی داریم که در مورد رعایت حقوق شهروندی از طرف معصومین می باشد که چند مورد آن را ذکر می کنیم. از جمله حقوق شهروندی برخورد عادلانه حکومت با مردم که امیرالمومنین (ع) در این زمینه فرموده : من از پیامبر شنیدم که می فرمودند ملتی که اقشار ضعیف آن نتوانند حق خود را از قدرتمندان بدون ترس و لکنت زبان بگیرند هرگز به سعادت نخواهند رسید و درباره ی حقوق مردم می فرماید : یکی از حقوق شما بر من این است که همه شما در مورد حق نزد من مساوی هستید^۱.

در مورد حق بازنشستگی می فرمایند : فرق میان مسلمان و غیر مسلمان نیست و در روایتی که در این زمینه نقل شده که امام علی (ع) به پیرمردی نصرانی که بین مردم گدایی می کرد برخوردند و از وضعیت او سوال کردند اصحاب گفتند مردی است نصرانی، حضرت فرمودند تا زمانی که تاجر و توانمند بود از او کار کشیدید و اکنون که پیر و عاجز شده است او را به حال خود رها کرده اید؟ سپس دستور دادند که از بیت المال مبلغی به او پرداخت شود^۲.

از مجموع این آیات و روایات چنین میتوان نتیجه گرفت که انسان از دیدگاه اسلام دارای کرامت و شرافت است و خداوند او را در مقابل دیگر موجودات اصالت بخشیده و هیچ مکتب و آئینی انسان را این چنین تعظیم و تکریم نکرده که اسلام او را عزیز داشته است.

بند سوم: دوران معاصر

پس از ظهور اسلام واژه شهروندی معنی دیگری یافت و مفهوم شهروند از واژه سیاسی به عقیدتی تغییر یافت که هر کس مسلمان است به صرف نظر از این که در کجای جهان اسلام سکونت دارد شهروند تلقی می شود و از حقوقی که سایر مسلمانان دارا می باشند بهره مند می شوند. مردم ایران به تدریج پذیرای دین جدید شدند و لذا نوعی دوگانگی در حقوق مردم پس از ظهور اسلام در ایران به وجود آمد برخی از مردم ایران که دین جدید را پذیرفتند از حقوقی برخوردار شدند و برخی دیگر که پذیرای این عقیده نو نشدند از این حقوق محروم ماندند در نهایت اکثر مردم ایران پذیرای دین جدید شدند و با استقبال کشور ایران از امپراطوری اسلامی واژه شهروند در جای خود مورد استفاده قرار گرفت اما مفهوم شهروند و حقوق شهروندی چند سال اخیر در ایران مطرح شده است. گویا همگان به دنبال تعریف جدیدی از شهروندی و حقوق شهروندی هستند .

البته با توجه به پیشرفت سریع بخش های صنعتی و فناوری اطلاعات و مخصوصاً آشنایی با حقوق دیگر کشور ها تعریف شهروند و حقوق شهروندی و کلیه مسائل مربوط به این مفاهیم نیاز اساسی و فوری است.

^۲ قرآن مجید ، سوره قاطر ، آیه ۳۹

^۳ قرآن مجید ، سوره بنی اسرائیل ، آیه ۷۰

^۱ رضایی پور ، آرزو ، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی ، نشر سپهر ادب ، تهران ، ص ۲۷۸ ، سال ۱۳۸۸

^۲ همان ، ص ۲۸۵

پیاپی و عملی کردن حقوق شهروندی نیاز مبرم به بشر سازی اجتماعی، فرهنگی و نیز اقتصادی توسعه یافته دارد. از آن جا که شهروندی و همه مسائل مربوط به آن در مباحث علوم انسانی بدون بررسی تاریخی در هر مورد خاص قابل آموختن نیست به همین دلیل درباره رعایت حقوق شهروندی در زمان ناصرالدین شاه برای این که حقوق دیگران (شهروندان) توسط حاکمان و نمایندگان حاکمان نقض نشود فرمان مهمی صادر شد که به شرح زیر است.

«در این وقت از قرار شکایاتی که مقرون سمع همایون افتاد و حکام ولایات مکرر بندگان خدا را خواه به جهت اقرار تقصیری که متهم می شوند و خواه محض ابراز جایی که اموالشان پنهان بوده به شکنجه می گذرانند. چنین حرکتی منافی مروت و احکام شرع خلاف رای اقدس شهریاری است لهذا قدغن می فرماید که به هیچ بهانه ای متهمین را به شکنجه نگذارند و پس از آن که تقصیر متهمین ثابت و محقق گردید به اندازه تقصیرشان گرفتار همان سزای شرعی و عرضی می گردد. حکام و ولایات مزبور به هیچ کسی را به شکنجه و اذیت نرسانند و مراقب باشند که اگر احدی مرتکب چنین عملی گردد مورد مواخذه و سیاست خواهد شد می باید حسب المقدور در معمول داشتن تخلف و تجاوز از ملول حکم قضا شمول نمایند.^۱ (۵ شهریور ربیع الثانی ۱۲۶۶).

بنابراین حقوق شهروندی یکی از مباحث مهم در حقوق معاصر و حقوق بین الملل است در قانون حفظ حقوق شهروندی قانون گذار به پیروی از بخش نامه رئیس قوه قضائیه که به تصویب مجلس رسید هر چند شهروند را تعریف نکرده اما به نظر می رسد تمام ساکنین ایران صرف نظر از تابعیت در شمول این قانون قرار گیرد هر چند حقوقی که در این قانون آمده ذیل حق و آزادی ها در دسته ی حقوق مدنی و سیاسی هستند که در میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز آمد نه حقوق شهروندی. این قانون تمام کسانی را که در ایران ساکن هستند به نحو غیر قانونی زیر چتر حمایت خود قرار می دهد در حالی که حقوق شهروندی حقوقی است خاص شهروندان و بیگانگان در آن سهمی ندارد.

۸-۱- تعاریف

۸-۱-۱- تعریف فقه

فقه در لغت به معنای فهمیدن و درک کردن و در اصطلاح بنا بر اینکه فقه یک علم می باشد به علم و استنباط احکام شرع از روی رای و اجتهاد اصطلاحاً فقه اطلاق می شود. فقه از اواخر قرن اول هجری مرسوم شد یعنی از این زمان کسانی پیدا شدند که استنباط احکام دینی را از طریق ادله شریعت بدست می آوردند.^۱

۸-۱-۲- تعریف شیعه

شیعه در لغت بر دو معنا اطلاق می شود یکی توافق و هماهنگی دو یا چند نفر بر مطلبی، و دیگری، پیروی کردن فردی یا گروهی از فرد یا گروهی دیگر.^۲

در زبان عربی در اصل به معنای یک، دو یا گروهی از پیروان است. در قرآن این لفظ چندین بار به این معنا بکار رفته است. برای نمونه در آیه ۱۵ سوره ی قصص درباره یکی از پیروان موسی از عنوان شیعه موسی و در جای دیگر از ابراهیم به عنوان شیعه نوح یاد می کند.

در تاریخ اسلام لفظ شیعه به معنای اصلی و لغوی اش برای پیروان افراد مختلفی به کار می رفت. برای مثال گاهی از شیعه علی بن ابیطالب و گاهی از شیعه معاویه بن ابی سفیان نام برده شده اما این لفظ به تدریج معنای اصطلاحی پیدا کرد و تنها بر پیروان علی (ع) که به امامت او معتقدند اطلاق می شود.

شیعه در اصطلاح به آن عده از مسلمانان گفته می شود که به خلافت و امامت بلافصل علی معتقدند و بر این عقیده اند که امام و جانشین پیامبر اسلام از طریق نص شرعی تعیین می شود و امامت علی (ع) و دیگر امامان شیعه نیز از طریق نص

^۱ همان، ص ۸۰

^۱ حسن ممدوحی، حکمت حکومت فقیه، نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۴۶

^۲ محمدعلی شمالی، شیعه شناسی مقدماتی، چاپ دوم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴

شرعی ثابت شده اند آغاز پیدایش شیعه در زمان حیات حضرت محمد(ص) بود که برای اولین بار به شیعه علی(ع) معروف شدند.^۱

۱-۸-۳- تعریف حق

درباره ی حق باید به دو امر، یعنی معنای لغوی و معنای اصطلاحی آن توجه شود.

- معنای لغوی «حق»: به معنای متعددی از جمله: درستی، ثبوت، صدق، وجوب، شایسته، امر مقضی، یقین پس از شک، خرم، رشوه، احاطه، مال، قرآن، خصومت، مقابله با باطل، نصیب و بهره و حکم مطابق با واقع به کار می رود که طبق معنای اخیر بر اقوال، عقاید و ادیان و مذاهب از آن نظر که مشتمل بر اقوال و عقاید هستند اطلاق می شود، و در مقابل آن «باطل» قرار دارد.^۲ واژه «حق» در زبان های گوناگون استعمال می شود.

- معنای اصطلاحی «حق»: اصطلاح محل بحث معنایی است که شامل اصطلاحات فقهی، حقوقی و سیاسی می شود.

واژه حق در صورت جمع بسته شدن به صورت «حقوق» به کار می رود. این امر موجب اشتباه همین لفظ در معانی دیگر می شود. از این رو لازم است توجه شود که واژه ی «حقوق» مشترک لفظی است و در معانی ذیل استعمال می شود:

(الف) گاهی «حقوق» به مجموعه مقررات حاکم بر روابط اجتماعی اطلاق می شود. «حقوق» در این معنا، گاهی مرداف «قانون» دانسته می شود. برای مثال به جای «حقوق اسلام»، «قانون اسلام» گفته می شود.

(ب) گاهی «حقوق» جمع «حق» است. در این معنا کلمه «حقوق» هم در لفظ و هم در معنا جمع است.

(ج) در استعمال دیگر، واژه «حقوق» به معنای «علم حقوق» به کار می رود. در نیم قرن اخیر «حقوق» در معنای «علم حقوق» استعمال می شود.^۱

در میان معانی یاد شده، معنای دوم مقصود است. به عبارت دیگر، معنای مورد نظر از «حق» معنایی است که معادل واژه right در زبان انگلیسی است نه law و نه jurisprudence.

«Law» به معنای قانون است و «jurisprudence» به معنای علم حقوق، اگر چه واژه ی اخیر گاهی به معنای فلسفه ی حقوق نیز استعمال می شود.^۲

۱-۸-۴- حق الله

اندیشمندان غربی به این نتیجه رسیده اند که آنچه برای آدمی درک شدنی است تنها حقوق فردی او است و به اصطلاح «هر کس به فکر خود، خدا به فکر همه، مربوط می شود به بینش توحیدی» براساس بینش توحیدی؛ حق الله بر کلیه حقوق تقدم می یابد.

برخی از متفکران معاصر مسلمان حق الله را چنین بیان کرده اند: «هدف خدای متعال از آفرینش انسان و جهان این است که آدمیان، با فعالیت های اختیاری خودبه کمال تام نائل آیند زیرا این استکمال فقط بر اثر فرمانبرداری و پرستش خداوند متعال حاصل می شود (توحید عبادی). می توان گفت که هدف خلقت این است آدمیان خدای متعال را فرمان ببرند و بپرستند همین امر حقیقی را بسان اعتبار می توان چنین تعبیر کرد که خدای متعال «حق» دارد که «انسان ها» او را اطاعت و عبادت کنند، بکاربردن فعل «حق داشتن» برای خدای متعال فقط به این لحاظ است که دیگران مکلف اند که این مسئله را رعایت کنند و در زندگی خود خدای متعال را مطاع و معبود قرار دهند و جز به مقتضای حاکمیت او رفتار نکنند. زیرا حق و «تکلیف» لازم و ملزوم یکدیگرند و ثبوت حق برای یکی از ثبوت تکلیف بر دیگران و ثبوت حق برای خدای متعال به منزله اثبات تکلیف بر جمیع آدمیزادگان بود.»^۱

^۱ - هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه، جلد چهارم، چاپ اول، انتشارات موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ص ۲۵۶

^۲ - آقای، بهمن، فرهنگ حقوقی بهمن، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸

۱- محمد جعفر جعفری لنگرودی، مقدمه عمومی علم حقوق تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۱۲

^۲ آقای، بهمن، فرهنگ حقوقی بهمن، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۷۴۴، ۷۶۵

۱- مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن (جزوه دست نویس) جلسه ۱۹۸، ۱۳/۱۰/۶۵

۱-۸-۵- تعریف آزادی

آزادی امکان عملی کردن تصمیم هایی است که فرد یا جامعه به میل یا اراده ی خود می گیرد . اگر انسان بتواند همه ی تصمیم هایی را که می گیرد عملی کند و کسی یا سازمانی اندیشه و گفتار او را محدود نکند و در قید و بند در نیابد، دارای آزادی مطلق ، یعنی آزادی بی حد و مرز است . اما چون انسان ها به طور اجتماعی زندگی می کنند ، نمی توانند آزادی مطلق داشته باشند زیرا آزادی بی حد و مرز یک فرد به پایمال شدن آزادی افراد دیگر اجتماع می انجامد . به همین سبب است که هر جامعه ای با قانون ها و مقررات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خاصی هم حافظ آزادی های افراد آن جامعه می شود و هم حد و مرزهایی برای اینگونه آزادی ها به وجود می آورد قانون ها و مقررات جهانی نیز آزادی های مردم سراسر جهان و حد و مرزهای آن ها را در جامعه ی جهانی معین و مشخص می کنند . تلاش ها و مبارزه های انسان در طول تاریخ زندگانی او همواره برای بدست آوردن آزادی مشروع و قید و بند زدن به آزادی مطلق فرمانروایان ستمگر و زورمندان بوده است . آجوامعی که توانسته اند بر حاکمان خودکامه پیروز شوند و حکومت های فردی و استبدادی را براندازند ، از آزادی های فردی و اجتماعی زیادی برخوردار شده اند .

قانون اساسی هر جامعه ، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق کودک یا پیمان نامه حقوق کودک نمونه هایی از نتیجه ی هزاران تلاش بسیاری از انسان ها هستند که در راه بدست آوردن آزادی های فردی و اجتماعی از آسایش و مال و جان خود گذشته اند .

امروزه با اینکه اصول آزادی های فردی و اجتماعی در جامعه های کنونی جهان معین شده اند ، ولی هنوز راه درازی در پیش است تا این آزادی ها که برقانون ها و اعلامیه ها نقش یافته اند در نظام ها و حکومت های سیاسی گوناگون جهان به سود مردم به کار بسته شوند .

شکل های تازه ی استعمار و وابستگی های سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی بعضی از کشورها به قدرت های بزرگ سبب محدود شدن و حتی از میان رفتن آزادی های فردی و اجتماعی در بعضی از کشورها شده است .

آیزایا برلین برای آزادی حدود ۲۰۰ تعریف را ادعا می کند همین امر سبب شده است که تعریف دقیقی از آزادی ارائه نشود و به تبیین مضامین آن اکتفا شود . با این همه می توان برای آزادی دو شاخصه ی مهم در نظر گرفت . یکی فقدان مانع که این شاخصه در تعریف لغوی آزادی نهفته است (در زبان های فارسی ، انگلیسی ، عربی) و دیگری امکان بروز و انجام خواست مورد نظر . برای فهم بهتر این مطلب می توان به پرنده ای در قفس اشاره کرد که پرنده را فاقد آزادی میدانیم چون دارای مانع است اما اگر پرنده از قفس آزاد باشد اما مجال پرواز نداشته باشد (مثلا پرهایش بریده باشد یا به خاطر ضعف امکان پرواز نداشته باشد) باز هم وی آزاد تلقی نمی شود توجه به دو شاخصه ی فوق برای تعریف آزادی ضروری است . هگل ، آخرین فیلسوف صاحب مکتب تاریخ فلسفه ی غرب ، معتقد بود آزادی جوهر حیات است همچنان که کشش جوهر آب است^۱ .

^۲ - <http://en.wikipedia.org>

^۱ - مردیها مرتضی، جنس فلسفی حقوق بشر، فصل نامه حقوق و مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۹۷

۹-۱- انواع آزادی

واژه ی آزادی به خودی خود واژه ی گسترده ای است و با عبارت هایی همچون آزادی های اجتماعی و حقوق بشر آمیخته شده است.^۱

برخی از آزادی های شناخته شده به شرح زیرند :

- ۱- آزادی مذهب
- ۲- آزادی پوشش
- ۳- آزادی اقتصادی
- ۴- آزادی تجمع های صلح آمیز
- ۵- آزادی رای دادن و انتخابات آزاد و دموکراتیک
- ۶- آزادی های اجتماعی
- ۷- آزادی جنسی (از جمله آزادی در عشق به همجنس)
- ۸- آزادی سیاسی
- ۹- آزادی آکادمیک
- ۱۰- آزادی های قومی و ملیتی
- ۱۱- آزادی های مدنی
- ۱۲- آزادی بیان
- ۱۳- آزادی پس از بیان
- ۱۴- آزادی رسانه و مطبوعات
- ۱۵- آزادی انتقاد کردن از قدرت
- ۱۶- آزادی اعتراض کردن
- ۱۷- آزادی مقاومت (از جمله در برابر اشغال نظامی، استعمار و امپریالیسم)
- ۱۸- آزادی در تولید هنر
- ۱۹- آزادی وصیت

۹-۱-۱- آزادی در اسلام

سید محمد جواد غروی در کتاب مبانی حقوق در اسلام چنین می نویسد که آزادی مطلوب اسلام اینست که بشر بتواند در سایه ی آن به حقوق طبیعی خود دست یابد بنابراین دانشمندان و عالمان باید با قلم و بیان خود امت را آگاه سازند و منافع مادی و معنوی وی را به او بشناسانند تا در نتیجه عدالت و احسان و تعاون بر نیکی و تقوی بر روابط بین مردم حاکم شود و به موازات آن استبداد و خودکامگی از بین برود.^۱

همچنین آزادی قلم و بیان به منظور افشاء حقایق و انتقاد از مفاسد است تا از فساد حکومت و جامعه به هر شکل که باشد جلوگیری شود . حفظ حقوق خلق و تامین و مصالح جامعه و قلع ماده ی ظلم و جنایت و خیانت ، تحقق بخش ترقی و کمال ملت است و این عین آزادی است.^۲

۹-۱-۲- آزادی در ادبیات

فرخی یزدی دو غزل با ردیف آزادی دارد . مطلع غزل اول چنین است :

^۱ - <http://en.wikipedia.org>

^۱ - مبانی حقوق در اسلام ، نشر جهاد دانشگاهی ، ۱۳۷۷ ، مبحث آزادی در اسلام ، ص ۳۲۴

^۲ - همان ، ص ۳۲۵

قسم به عزت و قدر و مقام آزادی که روح بخش جهان است، نام آزادی همچنین غزل دوم با این مطلع آغاز می شود:

آن زمان که بنهادم، سر به پای آزادی دست خود زجان شستم، از برای آزادی

۱-۱- تاریخچه حقوق بشر در اسلام

بدون تردید با مراجعه به نصوص اسلامی و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در طول پانزده قرن می توان به وضوح به این حقیقت پی برد و وجود یک تصور و اندیشه مشخص اسلامی در زمینه مسائل حقوق بشر را دریافت و به این حقیقت پی برد که مسائل حقوق بشر چه در تئوری و چه در عمل همواره در تاریخ اسلام مطرح و مورد توجه بوده است.

۱-۱- رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی

حقوق بشر را می توان مهم ترین تحول حقوق بین الملل در قرن بیستم تلقی کرد^۱. کتاب ترمینولوژی حقوق در تعریف حقوق بشر چنین آمده است: در مسئله حقوق بشر در مجموعه حقوقی که به سکنه یک کشور را اعم از بیگانه و تبعه در مقابل دولت داده می شود امر تابعیت نباید دخالت داده شود زیرا این حداقل حقوقی است که انسان در هر جا هست باید دارا باشد^۲. ولی در تعریف حقوقی، حقوق بشر عبارت از: مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد، به اعتبار انسان بودن در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم، با تضمینات و حمایت های لازم، از آن برخوردار می باشند^۳.

در اعلامیه حقوق بشر و شهروند مورخ اوت ۱۷۸۹ انقلاب فرانسه که قوانین اسلامی کشورهای جهانی از آن الگو گرفتند، بشر را از شهروند جدا نمی کند و هر دو را مترادف یکدیگر می دانند مقصود اعلامیه از شهروند و شهروندان، همه ی انسان ها و ابنای بشری است که در جامعه زاتاً دارای حقوقی اند غیر قابل انتقال، غیر قابل مرور زمان و باید توسط حکومت محترم شمرده شود.

در این اعلامیه حاکمیت متعلق به همه شهروندان در یک جامعه است و قانون را اراده عموم مردم و حامی آزادی همه آنها می داند و این قانون است که محدوده حقوق افراد را مشخص می کند و نباید مغایر حقوقی طبیعی خود باشد. اما با اعلامیه هایی که در دوره های مختلف در فرانسه به تصویب رسیدند بین حقوق شهروندی و حقوق بشر تفاوت قائل شد بر عکس اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ فرانسه تفاوتی بین آنها قائل نمی شد.

با وجود این جدا سازی مفهومی باید گفت که این تفکیک کار بسیار مشکلی است. در اعلامیه های حقوق بشر این دو درهم آمیخته اند، به عنوان نمونه ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد:

هر کس حق دارد در حکومت کشور خود خواه بطور مستقیم و خواه به واسطه نمایندگانی که آزادانه انتخاب می شوند شرکت بجوید.^۱

هر کس حق دسترسی به خدمات عمومی در کشور خود را دارد. اساس قدرت حکومت اراده مردم است این اراده باید در انتخابات ادواری و صالحی ابراز شود که باید با آرای همگانی و برابر با رای مخفی یا روش های رأی گیری آزاد برگزار شود.

۱-۱- تفکیک بین حقوق شهروندی و حقوق بشر

حقوق بشر ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان است گفته می شود که حقوق بشر عام و جهان شمول است و برای تشبیت حقوق فطری و طبیعی انسان است. حقوق بشر به هر انسان، صرف نظر از زندگی در جامعه و در انزوا و به تنهایی تعلق دارد. در حالی که حقوق شهروندی و حقوق انسانی، بخاطر زندگی در اجتماع معین است و با توجه به مقتضیات جوامع و شرایط زمانی و مکانی می تواند متفاوت باشد.

^۱ شیروانی، رضا، ۱۳۸۷، جزوه حقوق بشر در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ص ۱

^۲ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۱، مسبوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه دانش، تهران، ص ۶۳۰

^۳ هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۴، حقوق بشر و آزادی های اساسی، نشر میزان، تهران، ص ۱۲

^۱ ناصر زاده، هوشنگ، ۱۳۷۳، اعلامیه جهانی حقوق بشر، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ماده ۲۱

بخش اساسی حقوق شهروندی ناشی از حقوق داخلی کشور هاست. اما حقوق بشر و حقوق شهروندی دو مقوله کاملاً مجزا نیستند. اجرای حقوق بشر بستگی به حقوق شهروندان دارد. حقوقی که انسان به دلیل حیثیت و کرامت ذاتی خود دارد (حقوق بشر) با حقوقی که انسان مقیم یک اجتماع باید داشته باشد (حقوق شهروندی) دو مقوله متضاد نیستند. به طور خلاصه می توان گفت نسبت بین حقوق شهروندی و حقوق بشر، عموم و خصوص من وجه است.

گرچه حقوق شهروندی و حقوق بشر در بسیاری از مواردی به جای یکدیگر استفاده می شود و بسیاری از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق مربوط به آن حقوق شهروندی است و بسیاری از حقوق شهروندی ریشه در حقوق بشر دارد. اما تمییز بین آنها امکان پذیر است.

به عنوان مثال: حقوقی مثل حق زندگی (ماده ۳ اعلامیه)، منع شکنجه (ماده ۵)، حق مالکیت (ماده ۱۷) حق آزادی بیان و عقیده (ماده ۱۹) مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان است و حقوق بشر محسوب می شود. اما مواردی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در میثاق مربوط به آن وجود دارد که به نظر نمی رسد ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان باشد و ابزار و اجرا و محافظت از حقوق بشر و در واقع حقوق شهروندی است، نه حقوق بشر به معنی دقیق کلمه، مثل ماده ۸ اعلامیه در مورد حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه، ماده ۱۰ اعلامیه در مورد رسیدگی در دادگاه مستقل به طور علنی، ماده ۲۰ اعلامیه در آزادی تشکیل مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز و مواردی بسیاری نظیر آن وجود دارد که گرچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است ولی به نظر می رسد که حقوق شهروندی است نه حقوق بشر. همچنین در میثاق حقوق مدنی سیاسی ۱۹۶۶ نیز موادی مثل ماده ۱۰ آن در نگاه داری جداگانه متهمین از محکومین، ماده ۷ آن منع زندانی کردن افراد به دلیل عدم قدرت به اجرای تعهدات قرار دادی و ماده ۱۴ آن حق سوال متهم از شهود، به نظر می رسد که از حقوق شهروندی است نه از حقوق بشر.

در مقابل موادی وجود دارد که مشترک بین حقوق بشر و حقوق شهروندی می باشد مثل ماده ۱۲ اعلامیه جهانی در منع مداخله در زندگی خصوصی، امور خانوادگی و اقامتگاه و مکاتبان اشخاص، بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی درباره ی تامین سطح زندگی سلامتی و رفاه شخص و خانواده اش و حمایت در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا و از کار افتادگی. بند ۲ ماده ۲۵ اعلامیه درباره حق بهره مندی ویژه مادران و کودکان از کمک و مراقبت و بهره مندی از حمایت اجتماعی و نیز ماده ۲۴ آن در حق استراحت و فراغت و تفریح برای اشخاص و محدودیت معقول ساعات کار.

۱-۱۳-۱ مبانی حقوق بشر و شهروندی در جامعه اسلامی با تأکید بر شهر پاره

بررسی و مطالعه دقیق و همه جانبه حقوق بشر و حقوق شهروندی در جامعه اسلامی با تأکید بر شهر پاره، مستلزم شناخت مبانی این دو شاخه مهم حقوقی می باشد؛ چرا که شناسایی دقیق این دوه خوبی می رساند که شکل گیری حقوق بشر و حقوق شهروندی در جامعه اسلامی دارای زمینه های متعددی در غرب و شرق و به عبارت دیگر، در شرق پس از ظهور اسلام است. از این رو، در ذیل سعی شده تا هر یک از این دو به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱۳-۱-۱ مبانی حقوق بشر و شهروندی در غرب

حقوق شهروندی در جامعه اسلامی یکی از مبانی فکری دموکراسی و مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می

رود.^۱

آزادی های مشروع و اساسی در غرب، براساس مکتب لیبرالیسم تعریف شده است. از این منظر مفهوم فلسفی آزادی با اصل حاکمیت اراده توجیه می شود. بر این مبنا، اروپائیان پس از گذراندن دوران فشارهای ناشی از حاکمیت کلیساهای فاسد و حکومت های ظالم با تأکید بر حقوق طبیعی، بنیان حقوقی را ایجاد نمودند که بتوانند از گزند حکومت ها در امان بمانند. براین اساس، انسان ها براساس لیاقت ها و فضائلی که دارند، از این حقوق بهره مند می شوند. اما علی رغم

^۱ - بشریه حسین، ۱۳۸۶، آموزش دانش سیاسی، نشر نگاه معاصر، چاپ هشتم، تهران، ص ۲۲۶

این مبنای طبیعی و غیر قابل سلب، این حقوق در قانون تعریف می شوند و از این طریق قابل اجرا و دارای ضمانت اجرا خواهند بود.

دیدگاه دیگری که درباره حقوق وجود دارد، فرض وجود قرارداد است. در این مبنا، تشکیل حکومت نیاز به توافق اعضای بالغ جامعه دارد، هر چند این قرارداد به صورت پیش فرض تصور می شود و در عالم واقع رخ ندهد. حدود اختیارات دولت و مردم براساس این توافق تنظیم می شود. از آن رو که مردم حقوق مطلق ندارند و نمی توانند حکومت مطلق نیز ایجاد نمایند. بنابراین، اگر دولتی از این توافق تخطی کند و حقوق مردم را نقض نماید، مشروعیت خود را از دست می دهد. اما اشکال اساسی در این نظر آن است که از ایجاد حقوق بنیادین و فارغ از زمان و مکان درمی ماند و نمی تواند چنین نظام حقوقی را سامان دهد. ضمن اینکه افراد نمی توانند از برخی از حقوق خود (هم چون حق حیات) صرفنظر کنند و دیگران نیز حق سلب این حقوق را ندارند و به این امر در این دیدگاه توجه نشده است.^۱

۱-۱۳-۲- مبانی حقوق بشر و حقوق شهروندی در جامعه اسلامی در اسلام

یکی از مهم ترین آموزه های حیاتی و محور مشترک ادیان الهی، اثبات کرامت انسانی است؛ چرا که این امر، انسان را از ارتکاب گناهان و تعدی به حقوق دیگران باز می دارد، باز کردن غلو زنجیرهایی که طاغوت ها بر دست و پا و اندیشه بشریت بسته اند، آرمان انبیاء و اولیاء الله بوده است. برخی از حقوق انسانی را می توان باطبیعت انسان اثبات نمود. نیاز و میل طبیعی انسان به سمت جنس مخالف و علاقه به تشکیل خانواده و فرزندان می تواند سندی برای مطالبه این حقوق باشد. وجود یک استعداد بالقوه در انسان نیز می تواند ادله ی اثبات این حق برای ابنای بشر محسوب شود.^۲

در روایات اسلامی نیز آمده است که از دست کسی که در وجود خود احساس کرامت نمی کند، مصون نیستند و یا در جای دیگر گفته شده است: کسی که در وجود خود احساس کرامت می کند، آن را به گناه نمی آلود. مبنای حقوق در اسلام، اندیشه های انسان شناسانه و جهان بینی خاصی است که تا به آن ها توجه نشود، نه فلسفه احکام شناخته شده و حدود اجتهاد معلوم می گردد و نه شناخت و اجرای حکم میسر خواهد شد.

پذیرش مسئولیت انسان در برابر خداوند و رابطه عبودیت در تعیین حدود حقوق انسان بسیار موثر است. اما اثبات وجود حقوقی مشترک برای جمیع افراد یک جامعه و تمام ابنای بشر، نیاز به اثبات حقیقت و ذات مشترک آن انسان ها دارد و تا زمانی که کثرت ها بر اندیشه ی بشر حکومت می کند، اثبات قدر مشترک چندان ساده نیست و به عبارت دیگر نمی توان برای همگان حقوق برابر و مقتضی را تصویب نمود. مفهوم فطرت در اسلام معنای کاملی را در بیان قدر مشترک انسان ها دارد. فطرت در معنای خاص در برابر طبیعت قرار می گیرد. اسلام با پذیرش دو بعد طبیعی و روحانی برای انسان، اصالت را به روح می دهد. فطرت حقیقتی، فطرت یکسان و همگانی در میان انسان ها است که آن ها را به سمت کمال و حقیقت سوق می دهد و جامع حقیقت انسانی است. براساس نظریه ی فطرت، انسان دارای ادراکات و گرایشات فطری است براین اساس نمی توان انسان ها را صرفاً ظروفی خالی تصور کرد. فطرت، ویژگی های عمده ای دارد که برای اثبات حقوق بشر و شهروندی ما را به مطلوب می رساند:

اول اینکه، همگانی است یعنی همه ی افراد، فارغ از دین و دولت از آن برخوردار هستند.

دوم موهبتی و غیراقتسابی است و همه ی انسان ها از بدو تولد از آن برخوردارند. از این رو برای اثبات وجودش نیازی به احراز شرایط و مقدمات خاصی نیست. بنابراین منشأ حقوق در اسلام یا فطرت است یا طبیعت. البته سهم این عناصر در تکوین حقوق بشر به یک اندازه نیست و در تعارض میان این ریشه ها، فطرت دارای ارزش بالاتر است و اوست که انسان را به هدف عالی اش، یعنی کمال رهنمون می کند.^۱

^۱ - www.bashgah.ne

^۲ حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام، امید زنجانی، عباسعلی، فصل نامه حقوق، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۸۶، ص ۱۶۱

^۱ - همان، ص ۱۶۲

نتیجه گیری

حقوق شهروندی در جامعه اسلامی با تأکید بر شهر پایه از دیرباز مورد توجه ادیان ابراهیمی بخصوص دین مبین اسلام بوده است. حقوق شهروندی در جامعه اسلامی در دیدگاه الهی و اسلامی آن با حقوق شهروندی در جامعه اسلامی در دنیای غرب علی رغم شباهاتی، تفاوت های بسیاری دارد و این تفاوت ها به نوع جهان بینی های متفاوت در مورد این موضوع بر میگردد. بنابراین حقوق شهروندی در جامعه اسلامی در یک جامعه اسلامی هرگز نباید براساس تئوریهای دنیای غرب شکل بگیرد، بلکه می توان با استفاده از منابع اسلامی حقوق شهروندی در جامعه اسلامی با تأکید بر شهر پایه تئوری بسیار متعالی تر از غرب را برای پیشرفت حقوق شهروندی در جامعه اسلامی در کشور طرح ریزی کرد. اسلام وسیعتر از مکاتب دیگر حقوق انسان را پوشش داده است و مکاتب غربی یک نوع مسائل انحرافی، بی بند و باری و مسائلی را که موجب انحراف جامعه است به عنوان حقوق انسانی تلقی و آن را آزاد می دانند اما براساس نگرش اسلامی هر چیزی که موجب انحراف جامعه شود جزء حقوق فرد نیست.

اندیشه حقوق بشر در اسلام بر مبنای تفکر توحیدی است نه اومانسیسم آنگونه که در تفکر غرب دیده می شود حقوق بشر از ویژگی هایی برخوردار است که هیچ گونه قید و شرطی را نمی پذیرد و انسان به صرف انسان بودن (انسان به ما هو انسان) دارای حقوق بشر می باشد، اما این انسان وقتی در یک کشور و دولتی زندگی می کند و تحت تابعیت آن کشور در می آید علاوه بر داشتن حقوق بشر، دارای حقوق شهروندی در جامعه اسلامی با تأکید بر شهر پایه نیز می شود. از نگاه اسلام مبنای مشروعیت قوانین شهروندی، انطباق قاعده حقوقی با اراده الهی است هر قاعده و قانونی که منطبق با اراده مطلق حاکم بر جهان و انسان یعنی اراده خداوند باشد مشروع محسوب می شود و قانون گذار واقعی خداوند است.

منابع

- ۱- شیروانی، رضا، جزوه حقوق بشر در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ۱۳۸۷
- ۲- دورانت، ویل واریل، تاریخ تمدن، گروه مترجمی، چاپ اول، ج چهارم، انتشارات انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۶۵
- ۳- ممتاز، جمشید، حقوق بشر در تحولات بین المللی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷
- ۴- حسینی مجید، پایان نامه حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ۱۳۸۵
- ۵- عبدالمقصود، عبدالفتاح، امام علی، تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام، ترجمه سیدمحمود طالقانی، ج اول، طلوع خورشید، تهران، ۱۳۶۲
- ۶- قرآن مجید، خط عثمان طه، مترجم ناصر مکارم شیرازی، انتشارات ارمغان، ۱۳۸۸
- ۷- رضایی پور، آرزو، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، نشر سپهر ادب، تهران، ۱۳۸۸
- ۸- ممدوحی، حسن، حکمت حکومت فقیه، نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۷۸
- ۹- شمالی، محمدعلی، شیعه شناسی مقدماتی، چاپ دوم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
- ۱۰- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، فرهنگ فقه، ج چهارم، چاپ اول، انتشارات موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- ۱۱- آقایی، بهمن، فرهنگ حقوقی بهمن، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸
- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه عمومی علم حقوقی تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵